

**شیخ رجبعلی نکوگویان (خیاط)**

این بزرگ روشن ضمیر دارای تحصیلات حوزوی نبود اما زهد و تقوا و پاکی و عفتی که سرلوحه زندگی با برکتش قرار داده بود او را به مقام والایی در معنویت و خلوص رسانید...



ولادت: حدود 1301ق.

محل ولادت: تهران

وفات: 1381ق.

محل دفن: ابن بابویه

این بزرگ روشن ضمیر دارای تحصیلات حوزوی نبود اما زهد و تقوا و پاکی و عفتی که سرلوحه زندگی با برکتش قرار داده بود او را به مقام والایی در معنویت و خلوص رسانید.

در 23 سالگی خود را از دام یک گناه شهوانی رها ساخت و بدین گونه زمام تربیت و پرورش خود را به دست خداوند داد. این گذشت از گناه موجب باز شدن دیده برزخی اش شد. خود می فرمود: به خداوند عرضه داشتم خدایا، من این گناه را برای تو ترک می کنم تو هم مرا برای خودت تربیت کن!

در سیره معنوی و سیر سلوک خود از استاد خاصی بهره نبرد. نه تنها در عقیده بلکه در همه کارها تکیه اش فقط بر اخلاص بود. به پیشه خیاطی امرار معاش می کرد و می گفت: هر سوزنی که برای غیر خدا می زنم در دستم فرو می رود! می فرمود شبی دو فرشته با دو جمله راه فنا را به من آموختند: از پیش خود هیچ مگو و غیر از خدا هیچ نخواه!

مرحوم آیت الله کوهستانی می فرمود: شیخ رجبعلی خیاط هر چه داشت از توحید داشت. او مستغرق در توحید بود.

جناب شیخ معتقد بود کسانی که در سیر سلوک از طریقه اهل بیت (ع) فاصله دارند، هر چند بر اثر ریاضت از نظر قدرت روحی به مقاماتی دست یابند، درهای معارف حقیقی برآنان بسته است. یک بار ایشان به شخصی از اهل ریاضت که ادعاهایی داشت برخورد. به او فرمود: حاصل ریاضت های تو بالاخره چیست؟ آن شخص خم شد، قطعه سنگی برداشت و آن را به گلابی تبدیل و به شیخ تعارف کرد. شیخ رجبعلی فرمود این کار را برای من کردی بگو بینم برای خدا چه داری؟! مرتاض با شنیدن این سخن به گریه افتاد. کرامات زیادی از این انسان پاک سیرت نقل شده است. یکی از شاگردان شیخ می گوید: سلاخی نزد جناب شیخ آمکد و عرض کرد: بچه ام دارد می میرد، چه کنم؟ شیخ که صفت حسیب خداوند را باور داشت با نگاهی به آن شخص به او گفت: بچه گاوی را جلوی مادرش سر بریده ای و این عوض همان است! در اواخر عمر که احساس می کرد قبل از ظهور معشوق و محبوب خویش حضرت بقیه الله الاعظم (عج) از دنیا می رود، به دوستان خود می گفت: اگر موفق به درک ظهور حضرت شدید سلام مرا به ایشان برسانید.